

Causes of divergence in the Organization of Islamic Cooperation and the role of
Iran and Saudi Arabia

Seyed Ali Mortazavi Emami Zavareh ¹

Received: 26 September 2024

Reception: 17 December 2024

Abstract

The Organization of the Islamic Conference is the only international religious-governmental institution in the world today, whose goal is extensive cooperation between member states in cultural, social, economic and political fields. The reason for the formation of this organization should be considered the failure of Arab radicalism to liberate Palestine, the disastrous war of June 1967, the deliberate arson of Al-Aqsa Mosque, and the need for Islamic countries to have a regional organization with the aim of achieving convergence in various fields. Iran and Saudi Arabia, as two important members of this organization, have had turbulent relations in the pre- and post-revolutionary era. Before the revolution, the role of the United States, and after the revolution, at some points due to the role and policies of the ruling elites, the two countries moved towards friendship despite domestic, regional and international factors of divergence. However, numerous factors at different levels have caused the relations between the two countries to become unfriendly after the revolution, accompanied by conflict and divergence. These factors have also affected the role of the two countries in the Organization of Islamic Cooperation, so that the political developments in the Islamic world since the year of its establishment, especially the serious tensions between the poles of power in this organization (Iran, Saudi Arabia), have created conditions in which the process of political and security convergence among member countries has been severely disrupted and the organization has practically adopted a divergent approach. In these circumstances, the question is: considering the process of activity of the Organization of Islamic Cooperation and its organizational structure and the conditions of Iran and Saudi Arabia as member countries, what factors have led to divergence in the relations of the main members of the organization? The research method in this study is descriptive-analytical and the findings indicate that a set of multiple factors including differences in political and economic structure, security priorities, degree of independence or reliance on transregional powers, differences in value systems and the weakness of the organization in terms of administrative and planning structures have led to the process of divergence in the Organization of Islamic Cooperation.

Keywords: Divergence, Organization of Islamic Cooperation, Iran, Saudi Arabia

¹Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Business and Economics, University of Arak

<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.479709.1080>

علل واگرایی در سازمان همکاری اسلامی و نقش ایران و عربستان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۵

سید علی مرتضوی امامی زواره^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۷

چکیده

سازمان همکاری اسلامی، که به عنوان تنها نهاد بین‌المللی دولتی با محوریت دین در جهان امروز شناخته می‌شود، اهداف بلندپایه‌ای را پیگیری می‌کند. این اهداف شامل گسترش همکاری‌های گسترده میان کشورهای عضو در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. انگیزه‌های تشکیل این سازمان به ناکامی‌های کشورهای عربی در آزادی فلسطین، جنگ ویرانگر ژوئن ۱۹۶۷، و آتش‌سوزی عمدی در مسجدالاقصی بازمی‌گردد. همچنین، نیاز کشورهای اسلامی به یک تشکل منطقه‌ای که بتواند در حوزه‌های گوناگون همگرایی ایجاد کند، مزید بر علت بوده است. ایران و عربستان سعودی، به عنوان دو بازیگران کلیدی این سازمان، روابط پیچیده و پرتلاطمی را پیش و پس از انقلاب تجربه کرده‌اند. در دوران پیش از انقلاب، نقش ایالات متحده پررنگ بود و بعد از انقلاب، به دلیل نقش و سیاست‌های نخبه‌های حاکم، دو کشور علیرغم وجود عوامل واگرایی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی سعی در تقویت دوستی داشتند. با این وجود، عوامل متعددی در سطوح گوناگون باعث شده است تا بعد از انقلاب، روابط بین دو کشور به حالت غیر دوستانه تغییر یابد، و شاهد تعارضات و واگرایی‌ها باشیم. این عوامل بر جایگاه ایران و عربستان در سازمان همکاری اسلامی تأثیرگذار بوده و موجب شده است تا از زمان تأسیس این سازمان تاکنون، تحولات سیاسی در جهان اسلام با چالش‌های جدی همراه شود. به ویژه تنش‌های شدید میان قطب‌های قدرت داخل این سازمان یعنی ایران و عربستان، شرایط پیچیده را ایجاد کرده که روند همگرایی سیاسی و امنیتی میان کشورهای عضو شدیداً مختل شده است و سازمان عملاً رویکردی به سوی واگرایی را اتخاذ کرده است. در چنین شرایطی پرسش اصلی این است که با توجه به عملکرد سازمان همکاری اسلامی و ساختار تشکیلات آن، و نیز وضعیت ایران و عربستان به عنوان کشورهای عضو، کدام عوامل به واگرایی در روابط اعضای اصلی سازمان دامن زده‌اند؟ روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان‌دهنده آن است که مجموعه‌ای از عوامل گوناگون شامل تفاوت در ساختارهای سیاسی و اقتصادی، اولویت‌های امنیتی متنوع، درجه استقلال یا اتکای به قدرت‌های فرامنطقه‌ای، اختلاف در نظام ارزشی و ضعف سازمان از دیدگاه تشکیلاتی و برنامه‌ریزی سبب ایجاد زمینه واگرایی در سازمان همکاری اسلامی شده است.

واژگان کلیدی: واگرایی، سازمان همکاری اسلامی، ایران، عربستان

صلح و آرامش باید به عنوان یکی از نیازهای اساسی و اولیه بشر در نظر گرفته شود. انسان‌ها همیشه، چه از منظر نظری و چه از دیدگاه عملی، تلاش‌های مستمری برای یافتن راهکارهایی به منظور دستیابی به صلح انجام داده‌اند. به

اعتقاد صاحب‌نظران علوم سیاسی، صلح به عنوان وضعیتی تعریف می‌شود که در آن کشورها در روابط معمول خود با دیگر کشورها در آرامش به سر می‌برند و جنگ یا تهدیدی وجود ندارد. مفهوم صلح با اصطلاح «همزیستی مسالمت‌آمیز» پیوند نزدیکی دارد. این اصطلاح در روابط حاکم میان کشورها و نظام‌های متفاوت به معنای احترام به اصول حق حاکمیت، برابری حقوق، مصونیت، حفظ تمامیت ارضی هر کشوری، چه کوچک و چه بزرگ، و عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها تعبیر می‌شود. (آشوری، ۱۳۹۷: ۳۲۷)

کشورهای اسلامی که بخشی گسترده از جهان را تشکیل می‌دهند، با چالش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی متعددی مواجه‌اند. وجود تنوع مذهبی، نژادی، زبانی، قومی و قبیله‌ای می‌تواند زمینه‌ساز اختلافات و بی‌ثباتی در برخی از این کشورها باشد و هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی زیادی را به آن‌ها و همسایگانشان تحمیل کند. این مسائل، توسعه و گسترش روابط میان کشورهای اسلامی را محدود کرده و فرصتی برای دخالت قدرت‌های خارجی فراهم آورده است. اجرای اصلاحات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و نیز ترویج مذاکره و گفتگو می‌تواند راه‌حلی برای طرف‌های درگیر و بازیگران منطقه‌ای باشد. به هر میزان که ارتباط بیشتر میان کشورهای منطقه برقرار شود و ارزش‌ها و فرهنگ‌های آن‌ها نزدیک‌تر و روابط بر مبنای برابری شکل گیرد، احتمال همگرایی میان آن‌ها افزایش می‌یابد. در عین حال، جهان اسلام امروزه با مشکلات گوناگونی روبه‌رو است؛ کشورهای غربی با اجرای پروژه اسلام‌هراسی از طریق تبلیغات گسترده تلاش دارند تا اسلام را دینی خشن معرفی کرده و مسلمانان را با تروریسم معادل بدانند.

سازمان کنفرانس اسلامی تنها سازمان دولتی-مذهبی بین‌المللی معاصر است که هدف اصلی آن تقویت همکاری‌های گسترده در بین کشورهای عضو در حوزه‌های

فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌باشد. این سازمان به دلیل شکست رادیکالیسم عربی در آزادسازی فلسطین، فاجعه جنگ ژوئن ۱۹۶۷، حادثه آتش‌سوزی عمدی در مسجد الاقصی و نیاز کشورهای اسلامی به یک نهاد منطقه‌ای برای تحقق همگرایی در زمینه‌های گوناگون تشکیل شده است. از زمان ظهور این نهاد تا به امروز، تغییرات سیاسی و اجتماعی در جهان اسلام، به ویژه کشمکش‌های قابل توجه بین کشورهای مهم عضو این سازمان از جمله ایران، عربستان سعودی، مصر، ترکیه، عراق، سوریه و لیبی، فضایی را ایجاد کرده است که مسیر همکاری و اتحاد سیاسی و امنیتی میان کشورهای عضو به شدت تحت‌الشعاع قرار گرفته و این سازمان تلاش کرده است تا روشی متمایز از همگرایی را پیش بگیرد. ساختار سازمانی، نظام ارزشی آن و اولویت‌بخشی به مسائل امنیتی و منافع ملی نه تنها از اشتراکات تاریخی میان کشورهای عضو نشأت می‌گیرد، بلکه حضور کشورهای خارج از منطقه نیز در معادلات منطقه‌ای و تصمیم‌گیری‌های سازمانی نقش زیادی دارد.

در منطقه استراتژیک خاورمیانه و حوزه خلیج فارس، جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی به‌عنوان دو قدرت مهم مطرح هستند که علاوه بر دارا بودن سرزمین گسترده، از منابع غنی فسیلی و موقعیت‌های ژئوپولیتیکی قابل توجهی برخوردارند. بر اساس قرارگیری شهرهای مقدس مکه و مدینه در داخل عربستان، این کشور به واسطه ارتباطات ویژه با جهان عرب و ادعا نسبت به رهبری جهان اسلام و برخورداری از پیوندهای استراتژیک با کشورهای غربی، به‌ویژه آمریکا، به‌طور طبیعی نقش مهمی در تغییرات منطقه‌ای ایفا می‌کند. اهمیت مذهبی این کشور نیز با عنوان پادشاه به‌عنوان خادم الحرمین الشریفین و مجری اصلی مراسم حج تقویت شده است. در سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران با ادعای رهبری جهان اسلام و اتخاذ سیاستی مستقل و ضد استعمارگران، همواره حامی کشورهای اسلامی و نهضت‌های مختلف بوده است. بعد از وقوع انقلاب اسلامی، رقابت بر سر نفوذ و تاثیرگذاری بر کشورهای اسلامی شدت گرفت. انقلاب اسلامی در ایران علاوه بر ایجاد تغییر عمیق در جنبه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داخلی، تحولات قابل توجهی نیز در مسیر سیاست خارجی کشور رقم زد. حاکمیت

ارزش‌های انقلابی نظیر گرایش به آرمان‌های اسلامی، مبارزه با مستکبرین جهانی، حمایت از جوامع مسلمان و دفاع از مستضعفان و آرمان‌گرایی، عوامل تاثیرگذار بر سیاست خارجی ایران بودند که واکنش‌هایی در سطح جهانی برانگیختند؛ این واکنش‌ها نه تنها از سوی دو قدرت بزرگ آن زمان یعنی ایالات متحده و شوروی بلکه از جانب دیگر قدرت‌های جهانی و تمام کشورهای منطقه خاورمیانه نسبت به سیاست خارجی ایران به وجود آمد. (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲)

ر میان کشورهای خاورمیانه، عربستان سعودی به دلیل ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی خاص خود از دیگر کشورها و همسایگان جنوبی خلیج فارس متمایز است. این تمایز ناشی از ساختارهای سیاسی ویژه، اعتقادات سنتی و مذهبی عمیق، و تسلط دیدگاه‌ها و ایده‌های سلفی در قالب وهابیت است که به جامعه عربستان ترکیبی منحصر به فرد بخشیده است. این کشور حدود یک چهارم از ذخایر ثابت شده نفت جهان را در اختیار دارد (رحمانیان، ۱۳۹۴: ۱۳). از این منظر، ثبات یا ناامنی در این کشور نفت‌خیز برای قدرت‌های بزرگ به ویژه ایالات متحده آمریکا اهمیت فراوانی دارد.

با توضیحات اشاره شده، دو پرسش اساسی به ذهن خواننده می‌آید: نخست، با توجه به عملکرد سازمان همکاری اسلامی و ساختار تشکیلاتی و شرایط نظام بین‌المللی آن، چه عواملی به واگرایی روابط اعضای اصلی سازمان در جهت رسیدن به اهدافش انجامیده است؟ دوم، ایران و عربستان چه نقشی و جایگاهی در سازمان همکاری اسلامی دارند؟ در ادامه به تحلیل و پاسخگویی به این سوالات خواهیم پرداخت.

۲. چارچوب نظری

در عرصه تحلیل سیاست خارجی دولت‌ها در نظام بین‌الملل، به‌طور کلی، دیدگاه رئالیسم و به‌ویژه شاخه ساختارگرایی آن، به‌عنوان جریان مسلط در نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل شناخته می‌شود. این چارچوب نظری بر این اساس است که دولت‌ها به‌عنوان عوامل یکپارچه در نظام بین‌الملل عمل می‌کنند و به هدف افزایش قدرت و تأمین امنیت خود، تلاش می‌کنند. محرک بنیادی آن‌ها در صحنه بین‌المللی

انگیزه بقا در شرایط آناشیک است. اما این دیدگاه از سوی جریان‌های ضد شالوده‌گرا با انتقادات جدی مواجه شده است، زیرا رئالیسم ساختارگرا به ساختارهای معنایی در تحلیل سیاست بین‌الملل و بالاخص سیاست خارجی توجه نمی‌کند. یکی از نظریاتی که از دهه ۱۹۹۰ وارد گفتمان روابط بین‌الملل شد، نظریه سازه‌نگاری است. این نظریه که در برابر مادی‌گرایی متداول روابط بین‌الملل قرار گرفته، برداشت‌های عقل‌گرایانه نواقع‌گرایی را نقد کرده و دیدگاهی عقلانی-اجتماعی را به پیش برده است. این رویکرد بر اهمیت هنجارها، ساختارهای مادی و نقش هویت در شکل‌دهی منافع و کنش‌ها و تعامل کارگزار با ساختار تأکید دارد (Price and Reus-Smith, 1998:256).

از جمله مهم‌ترین تحقیقات در این حیطه، اثر الکساندر ونت با عنوان "نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل" است که به چالش نظریه سیاست بین‌الملل کنت والتز می‌پردازد. ونت در مقدمه نسخه فارسی کتاب خود بیان می‌کند که هرچند این نظریه مشابه نواقع‌گرایی به سیاست خارجی نپرداخته، اما با تمرکز بر ساختارهای معنوی نظام بین‌الملل و طبع اجتماعی کنشگران و فرآیند شکل‌گیری هویت و منافع آن‌ها، می‌تواند ابزار مفیدی برای تحلیل سیاست خارجی دولت‌ها باشد.

به اعتقاد ونت، هویت دولت‌ها شاخص اصلی در تعیین سیاست خارجی آن‌ها بوده و هر دولتی، مشابه افراد در جامعه داخلی، دارای هویتی متمایز است که رفتار آنها را شکل داده و قابلیت پیش‌بینی آن را فراهم می‌کند. این هویت که در گذر زمان و به واسطه تعامل با دیگر هویت‌ها شکل گرفته، عاملی مؤثر در تصمیم‌گیری سیاست خارجی محسوب می‌شود. از دیدگاه او، هویت ویژگی‌ای است که دولت‌ها به عنوان کنشگران نیت‌مند دارا هستند و انگیزه‌ها و رفتار آنها را تعیین می‌کند. به عبارتی دقیق‌تر، هویت یک خصوصیت ذاتی ذهنی است که در سطح واحد ریشه در شناخت کنشگران از خود دارد. (ونت، ۱۳۸۴: ۳۲۶).

به زبان ساده‌تر، هویت پدیده‌ای نیست که از پیش تعیین شده باشد، بلکه طی فرایند تعاملات شکل گرفته و بر منافع و ترجیحات بازیگران فردی و دولتی اثرگذار است. این دیدگاه عمق بیشتری به تحلیل‌های مبتنی بر روابط بین‌الملل می‌بخشد و امکان

بررسی جامع‌تر دیدگاه‌های مختلف دولت‌ها در تعاملات بین‌المللی را فراهم می‌کند. (مشیرزاده، ۱۳۹۵: ۳۳۲ - ۳۴۹).

هویت دارای ماهیتی است که بستری بین‌ذهنی و نظام‌محور دارد و در همین بستر، دو نوع برداشت از خود و دیگری وارد فرآیند شکل‌گیری هویت می‌شوند. اساساً، این هویت در خلاء ایجاد نمی‌شود و تنها از طریق تعاملات پیچیده اجتماعی است که به تکامل و توسعه می‌رسد (ونت، ۱۳۸۴: ۳۲۶).

در زمینه بحث‌های تئوریک، مطرح شده که هویت دولت ابزار مهمی در تبیین چگونگی درک تهدیدها و انتخاب هم‌پیمان‌ها در اتحادهای سیاسی ارائه می‌دهد. این دیدگاه بیان می‌کند که در اغلب موارد، نه منطق آنارشی بلکه سیاست هویتی است که اطلاعات بهتر و دقیق‌تری را در مورد اینکه کدام دولت‌ها ممکن است به عنوان تهدیدی احتمالی یا فوری برای امنیت دولت تلقی شوند، فراهم می‌آورد.

با توجه به اصول نظری مطرح شده، رابطه بین جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی، به ویژه پس از سقوط رژیم صدام، تحت تأثیر تنش‌های ساختاری موجود در منطقه قرار گرفته است. هر یک از این دو بازیگر در جستجوی رهبری جهان اسلام و ایجاد ترتیبات خاصی از نظم در منطقه هستند. از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی به عنوان بازیگری که به آمریکا وابستگی دارد، تلاش می‌کند تا برتری مشروع ایران را در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه به چالش بکشد. از سوی دیگر، عربستان سعودی نگران نفوذ و قدرت فزاینده جمهوری اسلامی ایران پس از سقوط صدام بوده و به طور خاص نگرانی‌هایش در باره توانایی ایران در مواجهه با مشروعیت عربستان در مسائل عربی، به ویژه در موضوع فلسطین، نمایان است. همچنین دو کشور در زمینه‌های ایدئولوژی سیاسی و حکومت‌داری دارای تضادهای قابل توجهی هستند. فلسفه وجودی جمهوری اسلامی ایران که مبتنی بر مردم‌سالاری دینی است، مشروعیت رژیم‌های پادشاهی دولت‌های حوزه خلیج فارس را زیر سؤال برده است (حسن، ۲۰۱۳: ۲۰-۲۲).

از سوی دیگر، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران نیز در اختلافات جاری بین کشورهای عربی و اسرائیل بیشترین تأثیر خود را داشته است. ایران موفق شده است

با ارجاع‌های مداوم علیه اسرائیل و غرب جایگاهی متین در میان افکار عمومی جهان اسلام و منطقه پیدا کند. این دیدگاه گسترده حاکی از این است که ایران تنها کشوری اسلامی است که توانسته در برابر اسرائیل و غرب ایستادگی کند، به‌ویژه در مسئله فلسطین؛ نه عربستان سعودی و نه هیچ کشور عرب دیگری توان مشابه با ایران را ندارد. جمهوری اسلامی ایران نیز بدون هیچ ترسی قدرت سخت خود علیه اسرائیل را به نمایش گذاشته است؛ نیروهای حزب‌الله و گروه‌های نظامی متعددی در عراق نمونه‌هایی بارز برای اثبات این ادعا هستند (ستوده و خزایی، ۱۳۹۵: ۶۹ - ۷۰).

بنابراین، سیاست‌ها و راهبردهای منطقه‌ای عربستان سعودی و دیگر کشورهای عربی نسبت به جمهوری اسلامی ایران تحت تاثیر همین چارچوب شکل گرفته‌اند. دیدگاه این دولت‌ها نسبت به هویت جمهوری اسلامی ایران به مثابه تهدید علیه نظام سیاسی آن‌ها باعث ایجاد این تقابل منطقه‌ای شده است. این تقابل در واکنش عربستان سعودی پس از انقلاب اسلامی بر ضد نظام جمهوری اسلامی ایران کاملاً آشکار بوده است.

۳. یافته های تحقیق

جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی همیشه به عنوان دو قدرت تاثیرگذار در منطقه خاورمیانه و غرب آسیا شناخته شده‌اند. تفاوت‌های بنیادی در جنبه‌های ایدئولوژیک، نژادی و سیاسی این دو کشور باعث ایجاد هویت‌ها و منافع متفاوت شده است، که در نتیجه تعاملات بین آن‌ها اغلب بر اساس بازی حاصل جمع صفر شکل گرفته است. وقوع انقلاب اسلامی و استقرار نظام سیاسی شیعه را می‌توان نقطه شروع روابط پرتنش بین این دو کشور دانست. بنابراین در این بخش قصد داریم با بررسی وضعیت سازمان همکاری اسلامی، به تنش‌های میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی بپردازیم.

۳-۱- عوامل چالش برانگیز در روابط ایران و عربستان

به طور کلی، انقلاب اسلامی ایران موجب تغییرات گسترده‌ای در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی شد که تمامی بازیگران این صحنه چنین تغییراتی را به نفع خود تلقی نکردند و برخی با نگرانی به دنبال راه‌های مقابله با آن بودند. در نتیجه، تلاش‌ها برای تشکیل ائتلاف‌هایی جهت تضعیف انقلاب آغاز گردید. عربستان سعودی، با بهره‌گیری از شکاف ایجادشده پس از سیاست‌های دو ستونی نیکسون در منطقه، سعی کرد با حمایت قدرت‌های جهانی ظرفیت‌های خود را افزایش دهد. حمایت متحدان غربی تنها مزیت عربستان در برابر سایر قدرت‌های منطقه بود. با این وجود، مقامات سعودی در ابتدا رویکردی دوستانه را در پیش گرفتند؛ اما به مرور زمان، روابط میان دو کشور به اختلافات تلخی کشیده شد که تا به امروز ادامه دارد.

پیروزی انقلاب اسلامی نه تنها اهمیت روابط بین ایران و عربستان را کاهش نداد، بلکه پیچیدگی‌های جدیدی به آن افزود؛ به ویژه در دهه اول انقلاب که روابط به تدریج متشنج شد. در تحلیل روابط میان ایران و عربستان در این دوره، دو دسته عوامل تأثیرگذار هستند؛ دسته اول شامل عوامل اصلی یا چالش‌برانگیز و دسته دوم شامل عوامل فرعی یا تنش‌زا می‌شود. (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳)

عوامل دسته اول عبارت‌اند از:

- پیروزی انقلاب اسلامی و نگرانی از گسترش آن به عنوان نماد اسلام انقلابی
- طبیعت ایدئولوژیکی و فرهنگی متمایز دو کشور
- رقابت برای تسلط بر قدرت منطقه‌ای و نحوه تعامل با قدرت‌های خارجی

عوامل دسته دوم شامل:

- جنگ تحمیلی
- مناسک حج
- مسئله فلسطین
- ژئوپلیتیک نفت خلیج فارس
- تشکیل شورای همکاری خلیج فارس

- برخی اقدامات خصمانه دیگر از جانب عربستان مانند دخالت در کودتای نوژه، توطئه‌های مختلف و تلاش برای محکوم کردن ایران در شورای امنیت و درگیری‌های نظامی پراکنده بین دو کشور. (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳)

۳-۲- آشنایی با سازمان همکاری اسلامی^۱

تلاش‌های افراد همچون سید جمال‌الدین اسد آبادی در راستای تحقق وحدت و اخوت اسلامی و احیای دینی بوده‌اند. همان‌طور که اندیشه‌های او توسط شخصیت‌هایی مانند شیخ محمد عبده و عبد الرحمن کواکبی دنبال شد، این تلاش‌ها در جهت احیای تفکر وحدت اسلامی به پیش رفت. (جبار عبد الخزرجی، ۲۰۰۵: ۹۴)

در روند تاریخی، با آغاز جنگ جهانی دوم، دوره پیگیری افکار اسلام‌گرایانه که بر احیای خلافت اسلامی متمرکز بود، رو به افول گذاشت و جهان اسلام وارد مرحله جدیدی از حیات سیاسی شد. تحولات این دوره تأثیرات عمیقی بر افکار سیاسی مسلمانان برجای گذاشت که اهم آن‌ها شامل موارد زیرند:

- شکست مسلمانان در جنگ ۱۹۴۸ در فلسطین و تأسیس حکومت صهیونیستی

- ایجاد کشور اسلامی پاکستان در مناطق مسلمان‌نشین هند

- آغاز دوران استعمارزدایی و استقلال تدریجی کشورهای اسلامی در منطقه

- پیدایش ناسیونالیسم به عنوان یک نیروی سیاسی مهم (سید سلیم، ۱۳۷۶: ۱۴)

بر این اساس، نیروهای اسلام‌گرا در جهان اسلام خواستار برپایی جبهه‌ای متحد از کشورهای اسلامی در نظام بین‌المللی موجود بودند که حضور این نیروها سرانجام به تشکیل سازمان همکاری اسلامی منجر شد. البته تلاش‌های معاصر برای دستیابی

^۱ - Organization of Islamic Cooperation

به این هدف به دهه ۱۹۵۰ و برپایی "کنفرانس عمومی اسلامی" که به همت مصر، عربستان و پاکستان در ۱۹۵۲ شکل گرفت، بازمی‌گردند.

شکست اعراب از اسرائیل در سال ۱۹۶۷ و همزمان، آتش‌سوزی در مسجدالاقصی در ۲۱ اوت ۱۹۶۹ فضا را برای برگزاری کنفرانس سران کشورهای اسلامی مهیا کرد. با برگزاری این کنفرانس در رباط، مراکش، این حرکت جنبه عملی پیدا کرد. پس از کنفرانس، بیانیه‌ای منتشر شد که اعلام می‌کرد دولت‌ها و ملت‌ها مصمم هستند تمامی راه‌حل‌های مرتبط با مسئله فلسطین را که بازگشت قدس به وضعیت پیش از ژوئن ۱۹۶۷ را تضمین نکنند، رد کنند. در این نشست برنامه اجلاس‌های بعدی تنظیم شد و در اجلاس سوم وزیران خارجه در مارس ۱۹۷۲ در جدّه، منشور سازمان تصویب شد و سازمان کنفرانس اسلامی رسماً شکل گرفت.

- در حال حاضر، کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی در چهار قاره جهان پراکنده‌اند. به جز آلبانی که در اروپا قرار دارد و ترکیه که خود را بخشی از اروپا می‌داند، و سورینام به عنوان تنها عضو از قاره آمریکا، سایرین از آسیا و آفریقا هستند. حفظ صلح و امنیت پایدار از طریق تعامل بین کشورها برای همه دولت‌های این مناطق بسیار اهمیت دارد. همان‌طور که سازمان همکاری اسلامی با تأکید بر ارزش‌های اسلامی اصیل، بر ضرورت تقویت اتحاد و همبستگی میان کشورهای عضو به منظور دستیابی به منافع مشترک در عرصه بین‌المللی اصرار دارد (طبق بند ۱ ماده ۱ منشور سازمان همکاری اسلامی). همچنین وفاداری خود را به اصول منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل اعلام کرده است (طبق بند ۱ ماده ۲ منشور سازمان همکاری اسلامی).

- این سازمان از ابتدای قرن جدید دو برنامه عملی در راستای همبستگی اسلامی و مقابله با چالش‌های پیش روی جامعه اسلامی تدوین کرده است. برنامه اول از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ و برنامه دوم از ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵ میلادی جهت تحقق اهداف و اصول سازمان برای دولت‌های عضو طراحی شده‌اند. در هر دو برنامه، اولویت اصلی بر صلح، امنیت و گفتگو

میان کشورهای عضو و حل مسالمت‌آمیز اختلافات متمرکز شده است. در برنامه دوم، شش هدف مشخص در مرکز توجه سازمان در زمینه گفتگوی بین دول عضو و حل اختلافات به صورت مسالمت‌آمیز قرار گرفته‌اند:

- تحکیم وحدت و همبستگی اسلامی^۱
- مقابله با تروریسم^۲، خشونت، افراطی‌گری، تندروی، فرقه‌گرایی^۳ و تقویت انسجام میان جوامع
- دیپلماسی پیشگیرانه، حل اختلافات و اقدامات صلح‌بانی
- توسعه حقوق اقتصادی سیاسی و رفاه جمعیت‌های اسلامی در دول غیر عضو سازمان همکاری
- حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات جامو و کشمیر با هند در چاقوب قطعنامه ملل متحد (قیاسی، ۱۳۹۲: ۳)

۳-۳- ععل واگرایی در سازمان همکاری اسلامی (واگرایی در روابط ایران و عربستان)

عوامل مختلفی مانند هماهنگی منافع اقتصادی، شباهت نسبی وضعیت‌های اقتصادی، تطابق منافع ملی و سیاسی، احساس سرنوشت و امنیت مشترک، و داشتن دشمنی مشترک نقش بسزایی در تحقق همگرایی دارند. اما عدم وجود یا ضعف این عوامل می‌تواند بسترهای واگرایی را تقویت کند. وقتی چند کشور دارای نظام‌های سیاسی کاملاً متضاد یا متفاوت، با دیدگاه‌ها و سطح اقتصادی به شدت متفاوت، و درگیر اختلافات فرهنگی و مذهبی عمیق باشند، حرکت به سمت همگرایی غیرممکن خواهد بود. جغرافیایی نیز می‌تواند نقش مهمی در این زمینه ایفا کند؛ به این دلیل که نزدیکی مکانی و شباهت‌های فرهنگی و اقتصادی در بسیاری از حوزه‌ها اغلب از وابستگی به فاصله جغرافیایی و مکان سکونت افراد

¹ - consolidation of Islamic unity and solidarity

² - Countering Terrorism

³ - Sectarianism

ناشی می‌شود. در واقع، همجواری و تشابهات ناشی از جغرافیا می‌تواند تأثیرات عمیقی بر روابط فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی داشته باشد.

۳-۳-۱- عوامل سیاسی در واگرایی سازمان همکاری اسلامی

از جمله مهم‌ترین عوامل سیاسی که در واگرایی سازمان همکاری اسلامی نقش بسیار مؤثری ایفا می‌کنند و می‌توان آن‌ها را در تقابل ایران و عربستان نیز مشاهده نمود، عبارت‌اند از:

۱. در بررسی دقیق دیدگاه‌های سیاسی و بین‌المللی کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی، به وضوح می‌توان دریافت که رقابت شدیدی میان نیروهای قدرتمند در این سازمان وجود دارد. مواضع محافظه‌کارانه کشورهای عربی معمولاً با دیدگاه‌های کشورهای تجدیدنظرطلب و انقلابی در تقابل است. این اختلافات به ویژه در موضوعات منطقه‌ای و جهانی مختلفی خود را نشان می‌دهد؛ از جمله روش‌های مقابله با اسرائیل، حمایت جدی از آرمان فلسطین، دفاع از حقوق اقلیت‌های مذهبی مانند شیعه و سنی، میزان تطابق یا مخالفت با جهان غرب به ویژه آمریکا، نحوه تعریف و شرح اسلام سیاسی و پایه‌های مشروعیت سیاسی از دیدگاه هر کشور. همچنین، تمرکز شدید بر ملی‌گرایی، چه عربی و چه غیرعربی، از جمله مواردی است که باعث بروز اختلاف نظر میان کشورهای عضو می‌شود. (شوشتری، ۱۳۸۳: ۹۴)

۲. بررسی تفاوت‌های ساختاری در سیستم‌های سیاسی کشورهای عضو، از جنبه‌های مختلف از جمله قبیله‌گرایی در مقابل ملی‌گرایی و سکولاریسم در برابر تأکید بر دین‌محوری، نشان‌دهنده تنوع چشمگیری در نظام‌های حکومتی مانند پادشاهی، خلافت، سلطان‌نشینی، ولایت فقیه و یا جمهوری‌های ریاستی و پارلمانی است. همچنین، این تفاوت‌ها شامل میزان تمرکز بر افراد یا رهبران خاص در مقابل ساختارهای دموکراتیک، تمایز بین حکومت حزب واحد و حضور احزاب متعدد، چگونگی عملکرد در نظام تقنینی و نقش پارلمان می‌شود. علاوه بر این، تأثیر نیروهای نظامی، مقامات مذهبی و گروه‌های اقتصادی قدرتمند در ایجاد سیاست‌ها

تا میزان واقعی مشارکت سیاسی شهروندان نیز تفاوت‌های ساختاری عمده‌ای هستند که مانع از ایجاد همسویی و یکپارچگی می‌شوند. (جهان بین، ۱۳۹۳: ۱۰)

۳. در سال‌های اخیر، بخش قابل توجهی از منازعات داخلی و منطقه‌ای بر خاورمیانه و کشورهای اسلامی متمرکز شده است. شدت این درگیری‌ها با ویژگی‌ها و ابعاد خاص خود موجب تضعیف جدی ساختارهای دولتی شده است. به‌ویژه تأثیرگذاری سیاست‌ها و اهداف قدرت‌های فرامنطقه‌ای که باعث ایجاد شکاف میان اعضای سازمان‌ها می‌شود.

۴. تأثیرپذیری از سیاست‌ها و تصمیمات قدرت‌های فرامنطقه‌ای: همسویی برخی از کشورهای عضو با سیاست‌های قدرت‌های جهانی زمینه‌ساز شکاف جدی بین اعضا بوده است. عدم استقلال واقعی در سیاست خارجی برخی کشورها مشخص و مشهود بوده که این وضعیت تأثیر بزرگی بر سیاست‌های سازمان در مبارزه با اسرائیل و معادلات پیچیده منطقه‌ای می‌گذارد.

۳-۳-۲- موانع اداری و سازمانی در واگرایی سازمان همکاری اسلامی

از مهم‌ترین موانع اداری و سازمانی در اختلافات سازمان همکاری اسلامی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- از جمله ضعف‌های برجسته و مشهود در سازمان کنفرانس اسلامی، می‌توان به عدم وجود ضمانت‌های اجرایی مستحکم برای تصمیمات و قطعنامه‌های صادره توسط این سازمان اشاره کرد. برخلاف سازمان ملل متحد که از ساختارها و ابزارهایی نظیر شورای امنیت برخوردار است تا به صورت عملی و جدی از اجرای قطعنامه‌ها حمایت کند، سازمان کنفرانس اسلامی فاقد یک نهاد نظارتی و اجرایی قدرتمند است که بتواند در امور بین‌المللی نقش پررنگ و مؤثری داشته باشد. چالش عمده‌ای که این سازمان با آن مواجه است، نبود مقررات یا مکانیزم مجازات مشخص برای کشورهایی است که تعهدات مندرج در اساسنامه را نقض کرده و به آن پایبند نیستند. این کمبود سازوکار اجرایی قوی می‌تواند به تضعیف مؤثر بودن قطعنامه‌های سازمان در مواجهه با مسائل جهانی منجر شود.

- سازمان کنفرانس اسلامی همچنان با همان ساختارهای دیرینه و اهداف از تاریخ گذشته خود فعالیت می‌کند، و جهان اکنون با چالش‌های جدیدی از جمله سلطه‌جویی آمریکا و گسترش تروریسم روبرو است. پس از گذشت حدود دو دهه از سقوط کمونیسم، این روند تغییرات جهانی با واقعه تأثیرگذار ۱۱ سپتامبر که به طور قابل توجهی شیوه‌های مداخله نظامی قدرت‌های بزرگ را متحول کرد همراه بود. قدرت‌های بزرگ به بهانه مبارزه با تروریسم توانستند مجوزهای مداخله نظامی در نقاط مختلف دنیا را به دست آورند و این امر به شکل‌گیری وضعیت جدیدی در روابط بین‌الملل انجامید. در چنین شرایطی، سازمان کنفرانس اسلامی همچنان به فعالیت بر اساس ساختارهای ابتدایی و قدیمی خود ادامه می‌دهد که قادر به مقابله موثر با چالش‌ها و پدیدارهای نوظهور قرن بیست و یکم نیست. این نهاد با ساختاری که بیش از چهار دهه پیش به وجود آمده است، نیازمند تغییرات بنیادی در ساختار و شیوه‌های عملکردی خود برای تطبیق یافتن با پیامدهای بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر است تا بتواند نقش موثرتر و کارآمدتری در دنیای امروزی ایفا کند.

تناسب سازمان کنفرانس اسلامی با انتظارات جهان اسلام و هماهنگی با تحولات جدید جهانی، به همراه تدوین راهبرد مناسب، زمینه‌ای است که نیاز به بررسی مجدد و به‌روزرسانی اقدامات این سازمان به منظور حمایت از منافع ۱.۵ میلیارد مسلمان را ضروری می‌کند.

۴. نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی عربستان سعودی از دیرباز به‌عنوان دو قدرت مهم و تأثیرگذار در میان ملت‌های جهان اسلام شناخته می‌شوند که نقش ویژه‌ای در منطقه پیچیده و استراتژیک خاورمیانه و خلیج فارس ایفا کرده‌اند. انقلاب اسلامی

ایران با آرمان‌هایی همچون تشکیل حکومت جهانی مبتنی بر اصول اسلامی، مخالفت با سلطه‌پذیری و سیستم‌های استکباری، پشتیبانی از مستضعفان جهانی و نهضت‌های آزادی‌بخش، و ترویج آموزه‌های اسلامی، به‌ویژه تشیع، نه تنها اهمیت تعاملات دیپلماتیک میان ایران و عربستان را کاهش نداد بلکه منجر به آشفتگی و پیچیدگی بیشتر در روابط بین این دو کشور گردید، به‌ویژه با توجه به تغییرات عمده‌ای که در سطح منطقه‌ای و جهانی به وقوع پیوسته‌اند. از همان آغاز انقلاب اسلامی ایران، سعودی‌ها با نگرانی و بدبینی به تلاش‌های احتمالی ایران جهت گسترش انقلاب با محوریت ایدئولوژی شیعه و مواضع ضدغربی نگاه می‌کردند، که این امر باعث شده تا روابط میان دو کشور همواره تلاطم و حساسیت خاصی داشته باشد. شاید مهم‌ترین جنبه تعارض میان عربستان و ایران، تفاوت‌های ایدئولوژیک و مذهبی باشد. از آنجا که این عوامل تأثیر عمیقی بر نگرش سیاستمداران دو کشور دارند، بررسی آنها برای شناخت عمیق‌تر این تعارض‌ها حائز اهمیت است.

به‌علاوه، پیروزی انقلاب اسلامی ایران ضربه سختی به رژیم عربستان سعودی وارد آورد، زیرا رژیم آنها نیز مانند شاه ایران سلطنتی بود و به آمریکا وابسته بودند. بنابراین، نگرانی وجود داشت که جنبشی مردمی ممکن است حکومت عربستان را نیز به‌خطر اندازد، لذا عربستان برای مهار انقلاب اقداماتی انجام داد. واکنش آل سعود شامل مجموعه‌ای از اقدامات خصمانه بود، از همکاری در کودتای نوژه تا پشتیبانی از عراق در جنگ با ایران و کشتار حجاج در حج سال ۱۳۶۶. در نتیجه، در دهه اول انقلاب اسلامی، روابط ایران و عربستان تیرگی یافت.

یکی از عوامل اصلی تأثیرگذار بر تیرگی روابط، رقابت برای کسب قدرت منطقه‌ای و تعامل با قدرت‌های بین‌المللی است. عواملی مانند جنگ تحمیلی، مسئله فلسطین، ژئوپلیتیک نفت و گاز خلیج فارس و ایجاد شورای خلیج فارس نیز نقش مهمی ایفا کرده‌اند. با این حال، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۸ و تغییراتی که پس از سقوط کمونیسم رخ داد، همراه با رویدادهایی نظیر جنگ اول خلیج فارس، زمینه بهبود روابط را مهیا کردند. به‌خصوص در اواسط دهه ۷۰ شمسی، جمهوری اسلامی سیاست‌هایی در راستای کاهش تنش دنبال نمود.

علی‌رغم تلاش‌ها برای رفع اختلافات و تقویت روابط، عدم اعتماد عربستان به ایران به طور کامل برطرف نشد. این اختلاف در روابط دو کشور بر سازمان همکاری اسلامی نیز اثرگذار بوده است. می‌توان گفت عواملی که می‌تواند بستر همگرایی در سازمان همکاری اسلامی باشد، همزمان زمینه‌های واگرایی را نیز ایجاد می‌کنند.

یکی از اصول اصلی تشکیل و انسجام در این سازمان، عامل مشترک بودن مذهب و دین اسلام است. وجود جمعیت قابل توجهی از مسلمانان با گرایش‌های مختلف و از گروه‌های گوناگون، زمینه‌ای اساسی برای شکل‌گیری این سازمان به حساب می‌آید. ایجاد اتحاد و امت اسلامی جزو اصول محوری منشور سازمان به شمار می‌رود. با این حال، تفاسیر بسیار متفاوت و گاه متعارض از دین واقعی اسلام باعث ایجاد واگرایی و فاصله بین کشورهای عضو در سیاست‌هایشان می‌شود. تأکید بر حقانیت مطلق خود و انتقاد از انحراف دیگر فرق از جوهر دین واقعی و تلاش برای کنار زدن دیگران، باعث بروز تنش و فاصله گرفتن از سیاست‌های اتحادطلبانه می‌شود. (تأکید بر نقش عربستان در دشمنی با جمهوری اسلامی ایران و اختلال در تعادل منطقه)

اندیشه وحدت‌گرایی که به عنوان نقطه تمرکز سازمان در همکاری‌ها مطرح است، به دلیل پیشی گرفتن منافع و دیدگاه‌های مختلف و متعارض اعضا، به ویژه عربستان، کنار گذاشته می‌شود. در شرایط کنونی، قدرت‌های اصلی در منطقه، یعنی ایران و عربستان سعودی، به جای حرکت به سمت فرصت‌های برد-برد و منافع مشترک و فراگیر، بیشتر به دنبال تحقق منافع خاص و اهداف انحصاری خودشان هستند. برای نمونه، اختلاف نظرهای بزرگ در میان دولت‌های عضو درباره مسائلی همچون بهار عربی، استراتژی‌های مبارزه با اسرائیل، جنگ ایران و عراق، و به‌ویژه پرونده هسته‌ای ایران، به وضوح گویای شکاف‌های عمیق در سیاست‌ها و اهداف این کشورهاست، به خصوص در رابطه با ایران و عربستان. لذا در نشست‌های سران، صرفاً تکیه بر موضوع وحدت جهان اسلام نمی‌تواند به تنهایی بستری برای اتحاد فراهم آورد؛ بلکه نیازمند اراده‌ای بسیار قوی‌تر و جدی‌تر است تا بتوان بر موانع موجود غلبه کرد و به توافقات واقعی دست یافت. برای دستیابی به وحدت واقعی،

ابتدا لازم است این ایده در مراکز اصلی تاثیرگذار کشورهای اسلامی تقویت شود. حوزه‌ها و مراجع دینی باید پیشرو باشند و روسای دولت‌ها باید آمادگی داشته باشند تا بخشی از قدرت خود را به نهادهای مشترک واگذار کنند. نخبگان سیاسی و فرهنگی باید با توجه به واقعیت‌ها به ریشه تفاوت‌ها توجه کنند و راه‌حل‌های منصفانه پیشنهاد دهند. دولت‌ها باید آغازگر برنامه‌های اقتصادی و تجاری مشترک باشند. هنوز در کشورهای اسلامی نهادهایی وجود ندارند که به عنوان جامعه مدنی پیشقدم باشند.

۱. آشوری، داریوش (۱۳۹۷)، دانشنامه سیاسی، تهران: انتشارات مروارید
۲. بزرگمهری، مجید؛ محمد خانی، علی رضا؛ نعمتی، فاطمه (۱۳۹۵)، علل واگرایی در سازمان همکاری اسلامی، مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۱۸
۳. جبار عبد الخزرجی، عروبه (۲۰۰۵)، منظمه المؤتمر الاسلامی، الطبعه الاولی، بیروت: دارالفکر العربی
۴. جهان بین، اسماعیل و محمد جلال حیدری (۱۳۹۳)، سازمان همکاری اسلامی، بررسی ناکامی ها با تاکید بر عوامل واگرایی، دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تاریخی جهان اسلام، ش ۲.
۵. دکمیجان، هراپر (۱۳۹۵)، جنبش های اسلامی معاصر در جهان عرب، مترجم احمدی، حمید، تهران: انتشارات کیهان
۶. رحمانیان، حسین، (۱۳۹۴)، عربستان سعودی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل وزارت امور خارجه اداره نشر.
۷. سید سلیم، محمد (۱۳۷۶)، سازمان کنفرانس اسلامی در جهان متغیر، حسن رضایی، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه
۸. ستوده، علی اصغر؛ خزائی، جعفر (۱۳۹۵)، ماهیت فرقه گرایی جدید عربستان سعودی علیه جمهوری اسلامی ایران، حبل المتین، شماره پانزدهم
۹. شفیعی، صادق؛ منتظرالقائم، اصغر؛ چلونگر، محمد علی (۱۳۹۶)، واکاوی روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در دهه نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، پژوهش های تاریخی، شماره ۳۳
۱۰. شوشتری، سید محمد جواد، (۱۳۸۳)، کاستی ها و بایسته های فرهنگی جهان اسلام، سازمان کنفرانس اسلامی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۱۱. قیاسی، سیامک (۱۳۹۲)، نقش و ظرفیت های سازمان همکاری اسلامی در گفتگوی ایران و جهان عرب، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
۱۲. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۵)، تحول در نظریه های روابط بین الملل، تهران: سمت
۱۳. ونت، الکساندر (۱۳۸۴)، نظریه اجتماعی سیاست بین الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی

استناد:

مرتضوی امامی زواره، سید علی. علل واگرایی در سازمان همکاری اسلامی و نقش ایران و عربستان. فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران 1403،

<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.479709.1080>

Hassan, Hassan(2013) The Gulf states: United against .۱۴
Iran, divided over Islamists”, In: The Regional
Struggle for Syria, edited by Julien Barnes-Dacey and
.Daniel Levy, European Council on Foreign Relations